

می‌نوشتند که ایران اسلامی چون در مقابل آمریکا ایستاده است، پس قطعاً شکست می‌خورد و مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. تحلیل‌های مادی این را می‌گفت، این را نشان می‌داد. خیلی از روشنفکر نمایان ما که خود را اهل تحلیل سیاسی و زیر و رو کردن حوادث و استنتاج از حوادث می‌دانستند، این‌جور تحلیل می‌کردند. اما بعکس شد؛ اسلام پیروز شد، جمهوری اسلامی پیروز شد، آمریکا مجبور به عقب‌نشینی شد. ۹۰/۸/۱۱

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل‌ها و مواضع رسانه‌ها و جریانها

BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۱۰ / شنبه ۲ شهریور ماه ۱۳۹۸

## رزمندگان اقتصادی زیر آتش جست‌وجوی کلید در پاریس!

**کیهان:** کمتر از دو هفته به گام سوم کاهش تعهدات برجامی ایران باقی مانده است. تحولات اخیر نشان می‌دهد اروپایی‌ها قصدی برای انجام تحرکی جدی در راستای عمل به تعهدات خود در قبال ایران ندارند و سیاست ائتلاف وقت را در پیش گرفته‌اند. با این حال برخی نشانه‌ها حاکی است دولت آقای روحانی همچنان امیدوار است آبی از اروپا گرم شود. تماس‌های تلفنی طولانی رئیس‌جمهور با همتای فرانسوی خود و دیدار دیروز ظریف با ماکرون در فرانسه از جمله این نشانه‌ها هستند. ظریف پس از این دیدار گفته است: «فرانسه پیشنهادهایی را ارائه کرده بود و پیشنهادهایی را ما ارائه کردیم درباره نحوه اجرای برجام و گام‌هایی که نیاز است طرفین بردارند.»

در حالی که بیش از ۱۵ ماه از خروج رسمی آمریکا و عملی اروپا از برجام می‌گذرد، وزیر محترم امور خارجه کشورمان همچنان به دنبال نحوه اجرای برجام است و معتقد است: «پیشنهادهای ماکرون درباره برجام در مسیر درستی پیش می‌رود!» اقدامات و مواضع مقامات ارشد دولت نشان می‌دهد متأسفانه امید به سراب برجام، همچنان ذهن دولت «تدبیر و امید» را در اشغال خود دارد و آنان هنوز نتوانسته‌اند با واقعیت‌های صحنه، خود را تطبیق داده و برخوردی منطقی داشته باشند. در همین حال هفته گذشته علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگو با یک رسانه آمریکایی، برجام را توافقی اشتباه دانست که نباید امضا می‌شد. موضعی که به‌طرز قابل‌تأملی از سوی رسانه‌های حامی دولت سانسور شد و بی‌سروصدا از کنار آن گذشتند. دلایل متعدد و متنوعی برای اشتباه بودن امضای برجام وجود دارد. یکی از اصلی‌ترین این دلایل را می‌توان در اظهارات اخیر برایان هوک، رئیس «گروه اقدام علیه ایران» مشاهده کرد.

نماینده ویژه دولت ترامپ در امور ایران مدعی شده که تحریم‌ها «احتمالاً» ایران را به میز مذاکره بخواهند گردانند. هوک در مصاحبه‌ای، درباره سیاست موسوم به «کارزار فشار حداکثری علیه ایران» گفت: «ما تلاش می‌کنیم فشاری به ایران تحمیل کنیم که احتمالاً این کشور را پای میز مذاکره بخواهد گردانند. تحریم‌ها در گذشته کارگر افتاده‌اند، احتمالاً باز هم کارساز خواهند بود.»

علت مهم و اصلی درباره اشتباه بودن برجام، در همین عبارت هوک نهفته است: «تحریم‌ها در گذشته کارگر افتاده‌اند»، پس «احتمالاً باز هم کارساز خواهند بود.» بزرگ‌ترین اشکال توافق هسته‌ای همین بود که آمریکایی‌ها را به طمع انداخت.

وقتی با فشار و تحریم می‌توان در حوزه هسته‌ای امتیازهای کلان گرفت، چرا نباید این ابزار را در سایر حوزه‌ها - توان نظامی و به‌طور مشخص موشکی، نفوذ منطقه‌ای و حتی مسائل داخلی ایران - بکار گرفت؟!

### اقتدار دفاعی را به حوزه اقتصاد تعمیم دهید

**جوان:** حضرت امام خامنه‌ای در آستانه هفته دولت (و هفتمین سال دولت آقای روحانی) چهارشنبه ۳۰ مرداد ماه در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، «اقتصاد» و «فرهنگ» را دو مسئله مهم کشور و تولیدکنندگان را رزمندگان در جنگ اقتصادی دشمن عنوان نموده و ضمن تأکید بر توجه کامل مسئولان به «تولید داخلی» به عنوان «کلید اصلی حل مشکلات موجود» سه اولویت کشور را: ۱ - رهایی کشور از وابستگی به درآمد نفت ۲ - توجه ویژه به بخش‌های پیشران اقتصادی نظیر مسکن، کشاورزی و شرکت‌های دانش بنیان ۳ - «ضرورت تغییر نگاه به تولید کننده به‌عنوان رزمنده جنگ اقتصادی» مطرح کردند و در عین حال بر «لزوم جهت‌گیری و هدفگذاری پیشرفت اقتصادی به سمت تأمین عدالت و ریشه کن کردن فقر» به‌عنوان هدف اقتصادی نظام اسلامی نیز تأکید فرموده و مسئولان وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مرتبط با مقوله فرهنگ را به حساسیت بیشتر و مقابله جدی و هوشمندانه با هجوم همه‌جانبه دشمن به مبانی دینی، انقلابی و اخلاقی فراخواندند.

هم‌اینک بین جمهوری اسلامی ایران و نظام سلطه، نبرد اراده‌ها به صورت تمام عیار در حال اجراست و در این نبرد مبتنی بر فشار حداکثری، جنگ اقتصادی مرکز ثقل فشار اقتصادی دشمن علیه ماست و تحریم‌های همه‌جانبه و عملیات‌های سیاسی، فرهنگی، اطلاعاتی، امنیتی، تبلیغاتی و روانی و... همگی بر اساس جنگ اقتصادی سازماندهی شده است. نظام سلطه در جنگ اقتصادی فقط نشانگاه‌های اقتصادی را هدف نگرفته بلکه گرانیگاه و هدف اصلی خود را بر مرعوب سازی و به زانو درآوردن ملت ایران متمرکز نموده و مجموعه‌ای از اهداف ریز و درشت به‌ویژه در دو حوزه فرهنگی و اقتصادی مشتمل بر: «ناامید کردن مردم»، «عصبانی کردن مردم»، «ترساندن و مرعوب‌سازی مردم»، «خشمگین کردن و به عصیان کشاندن مردم»، «مرعوب‌سازی مسئولان نظام»، «ایجاد و سازماندهی اعتراضات و نافرمانی‌های مدنی»، «ایجاد و سازماندهی و پشتیبانی تحرکات ضد امنیتی و اشرار داخلی»، «ترویج بی‌اعتمادی»، «تخریب باور و ایمان مردم»، «درگیرکردن نظام در یک میدان خاص با هدف غفلت از سایر میدان‌های اصلی»، «مدیریت افکار عمومی مردم ایران»، «القای ناکارآمدی نظام»، «بالا بردن هزینه‌های زندگی مردم»، «اختلال و یا کند کردن روند و برنامه توسعه و شکوفایی اقتصادی کشور»، «درگیر کردن بودجه و امکانات و مدیریت کشور در حوزه جنگ اقتصادی»، «دوقطبی سازی جمعیتی و ایجاد شکاف در صفوف ملت ایران با دوگانه‌های ساختگی نظیر جنگ/مذاکره و سازش»، «ایجاد و تشدید دوقطبی مردم/نظام»، «تخریب فرهنگ ملی به دست خود مردم ایران» و... را تعقیب می‌کند.

### کشف ساختاری جدید در «عصر جدید»

**خراسان:** فصل اول «عصر جدید» با موجی از احساسات، امیدها و واکنش‌هایی که برانگیخت به پایان رسید. «عصر جدید» گرچه خود آمده تا استعدادهای جوانان ایران را کشف و به جامعه عرضه کند اما خود این برنامه و این سبک از برنامه سازی مبتنی بر جذابیت، مردمی بودن، محتوا محوری و توجه به مفاهیم انسانی، بدون پا گذاشتن روی ارزش‌ها را

باید دوره‌ای جدید در برنامه سازی صداوسیما دانست. دوره ای که نوید چسبندگی مخاطبان به «رسانه ملی» را می دهد؛ آن هم پس از برهه ای که به هر دلیل به این جنبه کم توجهی شده بود.

در دوره ای که برنامه های پرمخاطبی چون «خندوانه»، «دورهمی»، «برنده باش» و امثالهم مبتنی بر «ستاره سازی» صرف رشد کرده بودند و بدون شک آسیب های رفتاری و گفتاری این ستاره‌ها که خواسته یا ناخواسته به الگوهایی برای جامعه تبدیل شده اند، دامن جامعه را می گیرد، «عصر جدید» در یک کار تیمی و گروهی، نه با تکیه بر «ستاره سازی» صرف، بلکه با تکیه بر کشف و رونمایی از استعدادهای بالقوه جوانان ایرانی، سبکی جدید را به نمایش گذاشت که می تواند موفقیتی بزرگ برای صداوسیما در دوره ای جدید باشد.

برگزیده شدن و طلایی شدن یک زن ایرانی در پایان فصل اول «عصر جدید» آن هم یک زن که هم «همسر» است، هم «مادر» است و هم «هنرمند»، باطل السحرسياه نمایی های غربی درباره جایگاه زنان در جامعه ایرانی دارد. از منظر غربی ها و رسانه های معاند که در قالب جنگ نرم هر روز در حال تهاجم به ملت بزرگ ایران هستند، هیچ کدام از ویژگی هایی که فاطمه عبادی پور دارد، نباید کنار هم جمع شود! از منظر آن ها زنان در جامعه ایران جایگاهی ندارند، چه برسد به یک زن هنرمند که همسر و مادر هم باشد! عصر جدید اما با قالبی جذاب نشان داد که زن ایرانی چه جایگاهی نزد ملت ایران دارد. حتما برای این برنامه هم می توان نقدهایی نوشت که در جای خود نوشته شده و خواهد شد اما در نگاه کلان، عصر جدید برنامه ای بود برای همه ایرانی ها در هر جایی که زندگی می کنند و با هر نژاد و استعدادی که دارند، برنامه ای که امیدهای فراوانی را در حوزه رسانه و تسلط بر ساختارهای جذاب برنامه سازی متناسب زنده کرده است و باید امیدوار بود با رفع نقدها و اشکالات، تبدیل به یک فرمول جذاب برای جذب مخاطب و ارائه محتوا در عصر جدید تلویزیون ایران شود.

### باور داشته باشیم

**صبح نو:** همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد رونمایی از سامانه برد بلند پدافندی «باور ۳۷۳» از جانب بسیاری از رسانه‌های مهم دنیا پوشش داده شد؛ سامانه پدافندی که حدوداً ۱۱ سال قبل و بعد از دست رد طرف روسی برای واگذاری سامانه‌ای مشابه به ایران، ساختش در دستور کار قرار گرفت. حالا حدوداً یک‌دهه از آن روز می‌گذرد؛ از روزی که طرف مقابل به بهانه بعضی از تحریم‌های سازمان ملل از واگذاری سامانه پدافندی به ایران خودداری کرد، درحالی‌که امضایش پای تعهدش خشک نشده بود. راهکار برون‌رفت از این مشکل همان راهکار همیشگی بود؛ اتکای صرف به توان و دانش داخلی؛ اتکایی که باعث شد در روز ملی صنایع دفاعی، رییس‌جمهوری منتخب ملت ایران با اعتمادبه‌نفس پشت تریبون قرار گیرد و با غرور و افتخار، یادآوری کند که نتیجه تلاش متخصصان ایرانی، یک سر و گردن از انواع خارجی بالاتر است. همچنین با غرور و افتخار پشت تریبون بایستد و برای طرف آمریکایی رجز بخواند. این غرور و افتخار بیش از آنکه یک احساس بومی و ملی در افتخار به ساخت یک کالا با بالاترین درجه پیچیدگی باشد، تابلو و راهنمای یک مسیر است؛ تابلویی که نشان می‌دهد راه باز شدن گره‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از کجا می‌گذرد؛ تابلویی که نشان می‌دهد اگر قرار باشد موانع رشد و پیشرفت از میان برداشته شوند، باید به کجا امید بست؛ تابلویی که نشان می‌دهد راه‌حل مشکلات ریز و درشت داخلی، همین‌جاست؛ درون همین خاک و توکل مردان و زنان به تنها قدرت هستی و دست بر زانو زدن و یاعلی گفتن! باور داشتن به این مسیر، راهکار اصلی قطع ید بیگانه است.

## ضرورت اصلاح قیمت‌های نسبی

**دنیای اقتصاد:** اواخر دوران شوروی سابق در سفری به شهر باکو شاهد بوده که در خانه شعله گاز آشپزخانه را هیچ‌گاه خاموش نمی‌کردند؛ چراکه هزینه خرید کبریت بیشتر از گازی بود که تقریباً مجانی در اختیار خانوارها قرار می‌گرفت. این رفتار غیر منطقی و حتی خطرناک نتیجه انعکاس اطلاعات دور از حقیقت قیمت‌های مخدوش و دستکاری شده است که ما در کشور خودمان هم به نوعی شاهد آن هستیم. ائتلاف گسترده منابع درخصوص حامل‌های انرژی و سایر کالاهای مشمول قیمت یارانه‌ای شاهدهی بر این مدعا است. گندمی که طی فرآیندی پرهزینه تبدیل به نان می‌شود و بخشی از آن به صورت خوراک دام به مصرف می‌رسد حکایت از چه منطقی غیر از ائتلاف منابع و کفران نعمت دارد؟ مساله این است که در کشور ما از سال‌های دور دولت به علت برخوردار بودن از منابع مالی آسان یاب نفتی مداخلات بیشتری در قیمت‌های نسبی بازار کرده و میزان ائتلاف منابع از این طریق را به حد اعلا رسانده است. نکته حیرت‌انگیز، تاسف‌بار و در عین حال عبرت‌آموز اینکه همواره منطق سیاسی توجیه این سیاست غلط بر منطق اقتصادی غلبه کرده است و اقتصاددانان به دلایلی نتوانسته‌اند سیاستمداران حاکم را به اصلاح این مسیر ضایعه‌بار قانع کنند. نزدیک به نیم قرن است که این وضعیت ادامه دارد و کشور ما را دچار خسران هنگفتی کرده که نتیجه آن ناتوانی از استفاده درست از منابع ملی و دور افتادن از مسیر توسعه است. تاخیر و تعلل در اصلاح قیمت حامل‌های انرژی به ویژه بنزین و گازوئیل واقعا حیرت‌انگیز است. در شرایطی که به دلیل تشدید تحریم‌ها و کاهش درآمدهای صادرات نفت، دولت با کسری بودجه جدی مواجه است، روزانه میلیون‌ها لیتر بنزین و گازوئیل از مرزهای مختلف کشور به خارج قاچاق می‌شود و جیب قاچاقچیان و مفسدان اقتصادی را پر می‌کند. در شرایطی که درآمدهای ارزی دولت به شدت کاهش یافته، دولتمردان ما میلیاردها دلار منابع ارزی کشور را به ثمن بخش حراج می‌کنند که متفعان آن عمدتاً رانتخواران حرفه‌ای‌اند و چیزی نصیب مردمان عادی که دولت به بهانه حمایت از آنها چنین سیاستی را دنبال می‌کند نمی‌شود. اشتباه اصلی این سیاست‌ها در بی‌توجهی ضایعه بار به کارکرد اطلاع‌رسانی قیمت در بازار است. وقتی دولت بدون توجه به منطق اقتصادی بازار (هزینه فرصت) قیمت کالایی را به دلخواه خود تعیین می‌کند در واقع اطلاع‌رسانی نادرستی درباره کمیابی منابع ارزشمند به فعالان اقتصادی انجام می‌دهد که نتیجه آن هدایت آنها به مسیر تصمیم‌گیری نادرست از جهت منافع عمومی است.

